



دارنده مجور ISC
۹۶۱۷۰-۱۲۸۰۲



تعیین رابطه ی بین سبک های فرزند پروری و رضایت زناشویی

طاهره عطاری ساری، دانشجوی ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی کرج

دکتر سارا پاشنگ، استادیار دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج

چکیده:

این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین سبکهای فرزند پروری با رضایت زناشویی انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی و همبستگی بود. جامعه شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج بود. نمونه ۶۰ نفر بود که با توجه به جدول مورگان و نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار شامل آزمون سبک های فرزندپروری یانگ و آزمون رضایت زناشویی اینریچ بود. یافته ها: بررسی نتایج نشان داد که تنها میان دو متغیر از متغیرهای سبک های فرزند پروری با میزان رضایت زناشویی در میان پدران رابطه وجود دارد. بدین معنی که رضایت زناشویی با معیارهای سرسختانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد میزان ۰,۲۶۹ رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین میان رضایت زناشویی و سبک پزرگ منشی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد همبستگی ۰,۲۷۳ به صورت معنی داری مشاهده گردید ($p < 0.05$). همچنین بررسی نتایج نشان داد که در بین هیچ یک از متغیرهای مورد نظر میان سبک های فرزند پروری با میزان رضایت زناشویی در میان مادران به جز متغیر خود تحول یافته رابطه معنی وجود ندارد ($p > 0.05$). بر همین اساس می توان میان سبک فرزند پروری خود تحول یافته و رضایت زناشویی در سطح اطمینان ۹۵ درصد به میزان ۰,۳۰۳ رابطه معنی داری را با میزان سطح معنی داری ۰,۰۱۹ مشاهده نمود ($p < 0.05$). نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده باید مطالعات بیشتری در زمینه رابطه بین سبکهای فرزند پروری با رضایت از زندگی انجام پذیرد.

کلمات کلیدی: سبک های فرزند پروری - رضایت زناشویی - خود تحول یافته



Abstract

Objective: This study aimed to investigate the relationship between parenting styles and marital satisfaction was conducted. **Methods:** This study was descriptive and correlational. Community School of Psychology, Islamic Azad University was married to all students. The sample was 60, according to Morgan table and sampling were selected. **Enrich marital satisfaction test test tool styles Results:** The results showed that only two variables ranging from parenting styles with marital satisfaction among fathers are related. The results also showed that between any of the variables of interest between parenting styles with marital satisfaction among women, except there is no significant relationship evolved variable ($p > 0.05$). Accordingly, it can be developed through your own parenting style and marital satisfaction at 95% to 0.303 significant correlation with the observed significance level 0.019 ($p < 0.05$). **Conclusion:** According to the results, more studies on the relationship between parenting styles and life satisfaction done.



مقدمه:

خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که نخستین و مهمترین جایگاه را در رشد کودکان دارد و در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی نقش بسزایی عهده‌دار است (آدنیکه و اویسوجی^۱، ۲۰۱۰). بر همین اساس مهمترین وظیفه والدین فراهم آوردن جوی در خانواده است تا در پرتو آن نیازهای طبیعی کودکان از جمله محبت، امنیت، اعتماد بنفس، عزت نفس و احساس مسوولیت تامین گردد. در این راستا، شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های کودک تحت تاثیر جنبه‌های عاطفی روابط والد_فرزندی خواهد بود و این همان چیزی است که میتوان تحت عنوان شیوه‌های فرزندپروری آن را مشخص نمود. مجموعه نگرش‌ها، اعمال، اظهارات کلامی و غیر کلامی والدین را که ماهیت تعامل والدین و کودک را در موقعیت‌های مختلف نشان میدهد، سبک‌های فرزندپروری می‌نامند (اسلیکر و همکاران^۲، ۲۰۰۵). پژوهشگران کوشیده‌اند ابعاد رفتاری والدین و انواع تعاملات آنها را با فرزندانشان مورد بررسی قرار دهند. در این زمینه تحقیقات متعددی انجام گرفت اما دو بعد مهم از ابعاد رفتاری والدین در این تحقیقات به صورت بارزی به چشم می‌خورد که عبارت است از: ۱- پذیرش در برابر طرد، که پاسخ‌دهی والدین را در بر می‌گیرد و به میزان حساس بودن والدین و گرمی و حمایت‌کنندگی آنها مربوط است. ۲- کنترل در برابر آزادی، که مرتبط با توقع والدینی است و به انتظارات آنها از فرزندان و میزان کنترل‌کنندگی آنها مربوط میشود (گل محمدی، ۱۳۹۰). شفر^۳ (۱۹۶۵) در مطالعات اولیه خود در مورد تحلیل عوامل رفتاری والدین به دو نتیجه رسید: بعد گرمی در برابر سردی و بعد کنترل در برابر آزادی. کمیجانی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود دو معیار عمده را مطرح کرده است: محبت و کنترل. کنترل شامل آن دسته از رفتارهای والدین میشود که در خدمت جامعه‌پذیری فرزند قرار دارد و محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین است. پاسخ‌دهی والدین به میزان تعهد والدین برای ایجاد فردیت، خودنظم‌جویی و خوداطمینان بخشی کودک مربوط میشود و این در حالی است که آنها میزان سازگاری، حمایت‌کنندگی و نیازهای خاص کودک را هم در نظر می‌گیرند (بامریند، ۱۹۹۱). والدینی که با فرزندان خود رابطه گرم و صمیمانه دارند بر بعد محبت بعنوان اولین اصل در شیوه فرزندپروری خود تاکید داشته و جهت‌گیری انضباطی در آنها در رفتار با فرزندانشان بصورت ارتباطی و حمایتی است (هاکسلی^۴، ۱۹۹۸). والدین پذیرا خصوصیات مثبت فرزندانشان را تشویق کرده و از بودن با آنها لذت می‌برند و در صدد برنامه‌ریزی برایشان می‌باشند. این والدین به صورت آگاهانه‌ای حس فردیت، خودگردانی و ابراز وجود در فرزندان خود ایجاد میکنند و در رفتار خود بیشتر بر مهربانی، دادن آزادی به فرزند و داشتن توقع در حد توان جسمانی و روانی او تاکید دارند (دارلینگ، ۱۹۹۱). یکی از عوامل مهمی که امروزه در رابطه با رضایت زناشویی حائز اهمیت است نوع رابطه ی عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده اند به این سوال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می تواند او را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد(سیمپسون و رولز، ۱۹۹۸)^۵.

سبک فرزند پروری مجموعه ای از نگرش‌های والدین نسبت به کودکان است که منجر به ایجاد جو هیجانی میشود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می نماید. این رفتارها هم دربرگیرنده رفتارهای مشخص(رفتارهایی که در جهت هدف والدین است) که از طریق آن رفتارها، والدین به وظایف والدینی شان عمل می کنند است و هم رفتارهای غیر مرتبط با هدف های والدینی است که شامل ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان

¹ Adenike & Oyesoji

² Slicker et al

³ Schaefer

⁴Huxley

⁵. Simpson ، J ، A



هیجانهای غیر ارادی می باشد. در واقع فرزند پروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تاثیر قرار می دهد (دارلینگ و استنبرگ ۱۹۹۳؛ به نقل از اسلمی ۱۳۸۵) و تاثیر قابل ملاحظه ای در روابط فرد د بالبی (۱۹۸۰)، اهمیت حساسیت و پاسخگو بودن در شیوه ی فرزندپروری را در شکل دادن رشد بهنجار و ناسازگار در دوران کودکی مورد تاکید قرار داد و پژوهشهای بعدی ثابت کردند که سبک های فرزند پروری پیامدهای مهمی برای ایمنی و سازگاری روانشناختی و نوع رابطه ی فرد با دیگران در نوجوانی و بزرگسالی دارد. با توجه به اهمیت موضوع مطالعه حاضر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین سبکهای فرزند پروری و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

این مطالعه از نظر هدف یک پژوهش کاربردی و از انواع تحقیقات توصیفی و همبستگی است. جامعه شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج بود. نمونه ۶۰ نفر بود که با توجه به جدول مورگان و نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار شامل آزمون سبک های فرزندپروری آزمون رضایت زناشویی اینریچ بود:

ابزار:

۱. پرسشنامه سبکهای فرزند پروری یانگ

پرسشنامه فرزندپروری یانگ که یک ابزار اولیه برای شناسایی ریشه های دوران کودکی طرح وارها است در سال ۲۰۰۳ توسط یانگ تهیه شده است. این پرسشنامه ۷۲ عبارت دارد که در آن پاسخ دهنده پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که با وی داشته اند، در یک مقیاس شش رجه ای رتبه بندی می کند. این ابزار دارای ۱۷ زیرمقیاس: محرومیت عاطفی، رها کردن، بی اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری در مقابل ضرر یا آسیب، خود تحول نیافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/ استحقاق/ بزرگ منشی، خویشتنداری و خودانضباطی ناکافی، پذیرش جویی/ جلب توجه، منفی گرایی/ بدبینی و تنبیه. هر یک از این زیرمقیاس ها ریشه های محتمل برای هر یک از طرحواره ها را نشان می دهند. برای مثال زیرمقیاس محرومیت عاطفی ریشه طرحواره محرومیت عاطفی مربوط به پدر یا مادر را نشان می دهد.

۲. پرسشنامه رضایت از زندگی اینریچ:

برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه اینریچ انتخاب شده است. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات و کارهای بالینی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. فورز و السون (۱۹۸۹) از این پرسشنامه، برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده اند و معتقدند که این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده بوجود می آید حساس است. فورز و السون (۱۹۸۹) با استفاده از نمونه گیری تصادفی در تحقیق ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می توان با دقت ۸۵-۹۵٪ بین زوجین خرسند و ناخرسند تمایز قائل شد. هر یک از موضوعات این پرسشنامه، در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی، می تواند



مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف کند، یا می تواند زمینه های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی خود هستند، استفاده شود.

این مقیاس شامل ۴ خرده مقیاس ۳۵ ماده ای می باشد که می تواند به عنوان یک ابزار تحقیق از جمله رضایت، ارتباطات و حل تعارض استفاده گردد.

مقیاس زوجی اینریچ یک اندازه گیری کلی از روابط زناشویی شامل تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت های اوقات فراغت، رابطه جنسی فرزندان و فرزند پروری، خانواده و دوستان، نقش های مساوات طلبی مربوط به زن و مرد، جهت گیری- مذهبی، همبستگی زوج ها و تغییرات زناشویی را شامل می شود.

مقیاس های این پرسشنامه به شرح زیر است:

تحریف آرمانی: سوالات این مقیاس، از پرسشنامه اصلاح شده توافق با آیین و رسوم زناشویی ادموند (۱۹۶۷) (می باشد. این مقیاس، گرایش زوجین را در پاسخ به سوالات بر اساس رفتارهای پسندیده اجتماعی اندازه گیری می کند. نمره بالا نشان دهنده رابطه غیر واقع بینانه درباره رابطه زناشویی است.

رضایت زناشویی: این مقیاس، رضایت و انطباق افراد با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی شامل: موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش های مساوات طلبی و جهت گیری مذهبی را اندازه گیری می کند. نمره بالا نشان دهنده رضایت زناشویی بالا است.

ارتباطات: این مقیاس، احساسات، نگرش ها و اعتقادات شخص نسبت به میزان و چگونگی روابط زناشویی را می سنجد. نمره بالا، نشان دهنده آگاهی زن و شوهر و رضایت از سطح و نوع ارتباط در روابطشان است. و نمره پایین، نشان دهنده فقدان رضایت از ارتباط است.

حل تعارض: این مقیاس، نگرش ها، احساسات و اعتقادات همسر را در بوجود آوردن یا حل تعارض و نیز روش های زوجین را در پایان دادن به جر و بحث ها، ارزیابی می کند. نمره بالا نشان دهنده نگرش های واقع گرایانه درباره تعارضات موجود در روابط زناشویی است و نمره پایین، نشان دهنده عدم رضایت از شیوه حل تعارضات است.

روایی و اعتبار پرسشنامه:

این پرسشنامه توسط پژوهشگر و همکاران با اجازه کتبی از پروفسور دیوید السون ترجمه شد و برای سه نفر از اساتید متخصص آشنا به فرهنگ و زبان فارسی و انگلیسی که روزمه آنها برای دکتر دیوید السون فرستاده شده بود، ارسال گردید و بعد از اصلاحات صورت گرفته ترجمه فارسی اصلاح و سپس به انگلیسی ترجمه شد و بعد از مقایسه ترجمه انگلیسی با نسخه اصلی و رفع اشکالات، مجدداً ترجمه فارسی اصلاح شد و ترجمه نهایی اصلاح شده دوباره به انگلیسی ترجمه شد. و در نهایت برای آگاهی از فهم پرسشنامه، توسط خوانندگان پرسشنامه به طور آزمایشی بر روی ۶ نفر اجرا شد و سوالاتی که قابل فهم نبودند اصلاح شد. پس از ویرایش نهایی و تایید اساتید همکار، ترجمه فارسی و ترجمه انگلیسی همراه با مراحل کار برای دکتر السون فرستاده شد و مجوز نهایی برای اجرای پرسشنامه برای مترجمین در ایران توسط دکتر السون صادر شد.

پرسشنامه زوجی اینریچ توسط دیوید السون و امی السون در سال ۲۰۰۰ روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه



برای خرده مقیاس های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب از این قرار است: ۸۶٪، 84٪، 83٪ اعتبار باز آزمایی پرسشنامه برای هر خرده آزمون به ترتیب ۸۶٪، 81٪، 90٪، 92٪ بوده است و ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج به ترتیب برابر با ۰.۶۸ (با حذف سوال ۲۴ آلفا: ۰.۷۸ می شود)، ۷۸٪، 62٪ و ۷۷٪ به دست آمد.

این پرسشنامه دارای ۴ نمره مجزا است که برای مجموع ماده های هر مقیاس یک نمره کل محاسبه می شود. نمره های خام به درصد تبدیل می شود.

روش نمره گذاری:

پرسشنامه به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) می باشد. این پرسشنامه برای هر یک از ماده ها پنج گزینه، ((کاملا موافقم))، ((موافقم))، ((نه موافق و نه مخالف))، ((مخالف)) و ((کاملا مخالف)) می باشد که برای آنها نمره ای از ۱ تا ۵ تعلق می گیرد.

سوالات ۳-۵-۶-۷-۱۰-۱۳-۱۴-۱۸-۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۲-۳۳-۳۴ به صورت معکوس نمره داده می شوند. به عبارت دیگر در این سوالات به عبارت کاملاً موافقم نمره ۱ و به عبارت کاملاً مخالفم نمره ۵ تعلق می گیرد.

محاسبه نمرات مقیاس ها:

رضایت زناشویی: سوال های ۱-۵-۹-۱۳-۱۷-۲۱-۲۴-۲۷-۳۰-۳۵

ارتباطات: سوال های ۲-۶-۱۰-۱۴-۱۸-۲۲-۲۵-۲۸-۳۱-۳۴

حل تعارض: سوال های ۳-۷-۱۱-۱۵-۱۹-۲۳-۲۶-۲۹-۳۲-۳۳

تحریف آرمانی: سوال های ۴-۸-۱۲-۱۶-۲۰

یافته ها:

در این پژوهش تعداد ۶۰ نمونه شرکت جسته و هیچ داده گمشده ای وجود نداشته و نمونه های مورد نظر به طور کامل به سوالات پژوهش پاسخ داده اند. گزینه های پاسخ دهی به سوالات پرسشنامه بر اساس طیف ۶ درجه ای لیکرت از گزینه کاملاً نادرست تا کاملاً توصیف کننده، با امتیاز ۱ الی ۶ نمره دهی شده اند و مقدار عددی ۳ به عنوان متوسط در نظر گرفته شده است، بر این اساس می توان مشاهده نمود که در بازه عددی ۱ الی ۶ تمامی سبک های فرزندپروری پدران تا قبل از معیارهای سرسختانه همگی مقادیر کمتر از سه را گزارش نموده اند و معیارهای سرسختانه، بازداری هیجانی، آسیب پذیری، جلب توجه و محرومیت عاطفی همگی دارای مقادیر بزرگتر از سه بوده اند. در این بازه عددی متغیر بدرفتاری دارای پایین ترین میانگین یعنی ۱.۵۷ بوده و محرومیت عاطفی دارای بالاترین مقدار میانگین یعنی ۴ را نشان داده است. نتایج آزمون اسمیرنوف-کولموگروف برای هر یک از مولفه های تشکیل دهنده آن در جدول شماره ۱ آورده شده است.



جدول ۱: نتایج آزمون اسمیرنوف-کولموگروف

سطح معناداری ^۷	آماره اسمیرنوف ^۷	تعداد نمونه	
.۰۵۹ ^c	.۱۳۴	۶۰	رضایت زناشویی
.۲۰۰ ^{c,d}	.۰۷۹	۶۰	محرومیت عاطفی
.۰۶۰ ^c	.۲۰۳	۶۰	رها کردن
.۳۵۳ ^c	.۳۶۳	۶۰	بدرفتاری
.۰۸۷ ^c	.۱۳۷	۶۰	آسیب پذیری
.۸۸۵ ^c	.۲۲۸	۶۰	بی کفایتی
.۱۴۰ ^c	.۲۲۰	۶۰	شرم
.۰۸۸ ^c	.۳۰۳	۶۰	شکست
.۰۵۷ ^c	.۱۸۱	۶۰	اطاعت
.۰۶۸ ^c	.۱۷۸	۶۰	ایثار
.۰۷۵ ^c	.۱۲۳	۶۰	معیارهای سر سختانه
.۰۵۶ ^c	.۱۴۲	۶۰	بزرگ منشی
.۰۹۳ ^c	.۱۴۵	۶۰	خودانضباطی ناکافی
.۰۷۱ ^c	.۱۳۲	۶۰	خود تحول نیافته
.۰۷۲ ^c	.۱۴۸	۶۰	منفی گرایی

جدول ۲: ادامه نتایج آزمون اسمیرنوف-کولموگروف

⁷ Kolmogorov-Smirnov Z

⁸ Asymp. Sig. (2-tailed)



متغیرهای پژوهش	تعداد نمونه	آماره اسمیرنوف ^۹	سطح معناداری ^{۱۰}
بازداری هیجانی	۶۰	.۱۱۸	.۱۳۸ ^c
تنبیه	۶۰	.۱۳۳	.۰۷۰ ^c
جلب توجه	۶۰	.۱۱۳	.۰۵۶ ^c
محرومیت عاطفی ۲	۶۰	.۱۴۵	.۰۷۳ ^c
رها کردن ۲	۶۰	.۲۱۰	.۱۸۵ ^c
بد رفتاری ۲	۶۰	.۳۸۴	.۴۲۲ ^c
آسیب پذیری ۲	۶۰	.۱۷۰	.۰۷۷ ^c
بی کفایتی ۲	۶۰	.۱۶۹	.۰۸۸ ^c
شرم ۲	۶۰	.۲۷۴	.۲۵۴ ^c
شکست ۲	۶۰	.۲۶۶	.۲۰۷ ^c
اطاعت ۲	۶۰	.۱۷۹	.۲۰۰ ^c
ایثار ۲	۶۰	.۱۵۲	.۰۷۱ ^c
معیارهای سر سخنانه ۲	۶۰	.۱۱۹	.۰۶۳ ^c
بزرگ منشی ۲	۶۰	.۱۱۳	.۰۷۳ ^c
خود انضباطی ناکافی ۲	۶۰	.۱۲۰	.۰۶۲ ^c
خود تحول نیافته ۲	۶۰	.۱۸۲	.۱۴۲ ^c
منفی گرایی ۲	۶۰	.۱۳۱	.۱۱۲ ^c
بازداری هیجانی ۲	۶۰	.۱۰۳	.۱۸۵ ^c
تنبیه ۲	۶۰	.۱۵۳	.۱۴۱ ^c

⁹ Kolmogorov-Smirnov Z

¹⁰ Asymp. Sig. (2-tailed)



۲۰۰۰c,d

۰۹۴

۶۰

جلب توجه ۲

همانطور که در این جدول مشخص می باشد در تمامی متغیرهای مورد بررسی مقدار سطح معناداری آزمون از مقدار معیار یعنی ۰,۰۵ بیشتر می باشد ($p > 0.05$). این مهم دلالت بر نرمال بودن توزیع داده ها در هر یک از متغیرهای مورد بررسی داشته است. بر همین اساس در ادامه در بخش تحلیل استنباطی داده ها از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون به منظور بررسی معنی دار بودن روابط میان متغیرهای پژوهش بهره جسته می شود.

در این بخش از ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین روابط میان متغیرهای پژوهش بهره جسته شده است که نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سبک های فرزندپروری پدران با رضایت زناشویی

ایثار	اطاعت	شکست	شرم	بی کفایتی	آسیب پذیری	بدرفتاری	رها کردن	محرومیت عاطفی		
-0.014	0.083	-0.047	-0.108	0.075	0.074	-0.092	-0.022	0.123	Pearson Correlation	رضایت زناشویی
0.917	0.529	0.721	0.412	0.569	0.576	0.485	0.865	0.348	Sig. (2-tailed)	
60	60	60	60	60	60	60	60	60	N	
	جلب توجه	تنبیه	بازداری هیجانی	منفی گرای	خود تحول نایافته	خودانضباطی ناکافی	بزرگ منشی	معیارهای سرسختانه		
	0.198	-0.009	-0.074	0.017	0.211	0.056	0.273*	0.269*	Pearson Correlation	رضایت زناشویی
	0.129	0.946	0.575	0.898	0.105	0.672	0.035	0.038	Sig. (2-tailed)	
	60	60	60	60	60	60	60	60	N	

نتایج نشان می دهد که در بین تمامی متغیرهای مورد نظر تنها میان دو متغیر از سبک های فرزند پروری با میزان رضایت زناشویی در میان پدران رابطه وجود دارد. بر همین اساس نتایج نشان می دهد که میان رضایت زناشویی با معیارهای سرسختانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد



نتیجه گیری:

بامریند (۱۹۷۸) بر این باور است که رابطه والدین دیکتاتور با فرزندانشان نه گرم و نه پاسخگو است. در عوض روابطشان با فرزندانشان سرد و کنترل کننده است. آنها از فرزندان خود انتظار دارند که پخته باشند و هر آنچه را آنها میگویند عمل کنند چون رفتار نامناسب و خودخواهانه برای آنها غیرقابل تحمل است. این والدین سخت گیرند و انتظار اطاعت دارند. آنها در مورد عواطف و احساسات، زیاد صحبت نمیکنند و به هنگام اجتماعی کردن فرزندانشان انتظارات خود را بصورت قوانین و دستورات بیان میکنند و منطق پشت این قوانین را توضیح نمیدهند. در صورت سرپیچی از تنبیه های سخت ولی نه توهین آمیز استفاده میکنند. فرزندانشان را دوست دارند ولی عواطف خود را آشکار نمیکنند (وولفولک ، ۲۰۰۷). کودکان آنها به ناشاد بودن، عدم اعتماد به دیگران، ضعف ارتباطی با همسالان و ناسازگاری تمایل نشان میدهند، پیشرفت درسی کمتری دارند و رفتارهای مشابه والدین در آنها تقویت میگردد. این کودکان مضطرب، گوشه گیر و ناخشنود هستند و در صورت ناکامی با خصومت و خشم واکنش نشان میدهد (آزادی ، ۱۳۸۲). تعاملات خانوادگی ضعیف شامل فرزندپروری بی ثبات و مبتنی بر تنبیه، نگرش والدی طرد کننده یا سرد، قوانین انضباطی سخت و ناپایدار، دلبستگی نا امن، نظارت یا کنترل ناکامی و اختصاص زمان اندک به کودکان و فقدان ارتباط موثر با او به عنوان عوامل خطر و پیش بینی کننده در نظر گرفته میشود که بطور کلی فرزندان را در معرض خطر بروز رفتارهای پر خاشگرانه و سایر انواع بیماریها قرار میدهد (مهرابی زاده و همکاران ، ۱۳۷۹). در پژوهشی که در سال ۲۰۱۴ توسط کایلین رتنر انجام شد بررسیها حاکی از آن بود که مادران با محبت، گرم و پاسخگو در پرورش سبکهای هویت بهنجار، آگاهانه و جستجوگر در شکل گیری هویت فرزندان نقش بسزایی دارند. استفان ام اوکسون^{۱۱} نیز به لحاظ تجربی نیز اثر ۴ سبک فرزندپروری بامریند را بر عزت نفس و پیامدهای بیماریهای اضطرابی مطالعه کرد و سبک مستبد را در عزت نفس و بیماریهای اضطرابی مرتبط دید.

منابع

- کاکاوند؛ علیرضا؛(۱۳۸۵). روانشناسی مرضی کودک. چاپ چهارم. تهران انتشارات ویرایش.
- اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد و هیلگارد(۱۳۷۸)، زمینه ی روانشناسی جلد اول، ترجمه محمد نقی براهنی و همکارانف تهران، انتشارات رشد.
- لورا؛ برک، روانشناسی رشد، جلد اول، ترجمه ی یحیی سید محمدی، سال چاپ(۱۳۹۲).
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی - سید مهدی؛ آذر، عادل . (۱۳۸۲). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت : رویکرد جامع (ترجمه و تالیف). چاپ دوم. تهران: انتشارات صفار
- خاکی؛ غلامرضا(۱۳۸۶). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. چاپ دوم. تهران انتشارات بازتاب.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، چاپ اول.
- www.iranpa.org / انجمن روانشناسی ایران.
- www.SID.ir